

آخرین مادر

۵ دیماه ۱۴۰۲، پروین توکلی در سن ۹۷ سالگی درگذشت و دو روز پس از آن در مشهد به خاک سپرده شد.

او آخرین مادر بود؛ آخرین مادر از نسل مادران جوانان انقلابی‌ای که در دهه‌ی ۵۰، برای آزادی، عدالت اجتماعی و علیه وابستگی ایران به پا خاستند و خود را چریک‌های فدایی خلق نامیدند. جوانانی که به‌دست عمال رژیم شاه، یک به یک به خاک و خون افتادند، و یا زندان‌های رژیم را انباشتند. قهرمانانی که جان خود را وثیقه انقلابی کردند که قرار بود آرمان‌های انسانی را تحقق بخشد. آن انقلاب رخ داد و بساط ستم و تبعیض شاهی را برچید، اما دستگاه ستم و تبعیض حاکمرانی اسلام را جایگزین آنچه بود کرد تا بربریت تاریخ معاصر ایران را به‌کمال رساند.

با برآمد جمهوری اسلامی، میراث آن قهرمانان انقلابی جان باخته به تاراج رفت. و بدین ترتیب تاریخچه آنان نیز پایان گرفت. اما مادران آنان برجا ماندند و در رژیم اسلامی کوله‌بار دردهای خود را بسی سنگین‌تر یافتند: با قربانیان تازه، محبوسین تازه، جنایت‌هایی در ابعاد خوفناک‌تر و گسترده‌تر، چه در پهنه‌ی جامعه و چه در عرصه‌ی خانواده و خویشان خود.

پروین توکلی یکی از آنان بود. در رژیم شاه، یک فرزند و دامادش اعدام شدند، یک فرزندش را در خیابان کشتند و دو فرزندش را به زندان انداختند. در رژیم اسلامی یک فرزندش را دوباره زندانی کردند، و مامورین با طناب‌های دارشان پیگرد فرزند دیگرش را در دستور داشتند. رنج‌ها و دردها همچنان ادامه یافت...

با برآمدن انقلاب، آن فدایی‌های جانبازانه ماه روشن آسمان ایران شدند. در وصف آنان کتاب‌ها نوشته شد، حکایت‌ها روایت شد، شعرها سروده شد، سرودها خوانده شد و دلیری و انسانیت‌شان ستایش شد.

اما کسی نیمه‌ی ناروشن ماه را، مادران آنها را نمی‌دید. رنج‌ها، ترس‌ها، مصیبت‌ها، فشارهای اجتماعی، لطمه‌هایی که دیدند و آسیب‌هایی که خوردند ناگفته ماند، لابد چون بدیهی محسوب می‌شد. تاریخ معاصر ایران نیز همچون تاریخ قهرمانان و ضد قهرمانان روایت می‌شود؛ تاریخ "به چرا مرگ خودآگاهان" دلیری که "در کمرگاه دریا دست حلقه توانند کرد"؛ آرش‌هایی که خود جان‌شان را در کمان می‌نهند و رهایش می‌کنند؛ جانبازانی که از مادران می‌خواهند که اشک‌های‌شان را پنهان کنند؛ و سوگواری را به رسمیت نمی‌شناسند. در این تاریخ، انبوه زندانیانی که قهرمان نبوده‌اند، انبوه مادران، پدران، خواهران و برادران این قربانیان مکانی ندارند. اینان بخشی از واقعیت این تاریخ هستند که کسی درباره آن سخن نمی‌گوید؛ همچون شرح حال بازماندگان جنگی که شمارشان از شمار کشته‌های نبردها بسیار فراتر می‌رود اما در تاریخ روایت نمی‌شود.

مادرانی که در رژیم شاه و جمهوری اسلامی، یک، دو، سه و یا بیشتر، فرزندان خود را از دست دادند، بسیارند. در میان اینان، بودند مادرانی که مبارزه‌ی فرزندان‌شان معنای زندگی‌شان شد. کسانی چون مادر انوشیروان لطفی، مادر سنجرى‌ها، مادر بهکیش‌ها....

پروین توکلی از این رسته نبود؛ اما او مادر بسیاری بود. خانواده‌هایی که فرزندان‌شان را در رژیم دیکتاتوری شاه از دست داده بودند همدم او بودند؛ زنانی که همسرانشان در رژیم جمهوری اسلامی اعدام شده بودند با فرزندان‌شان، مونس او بودند؛ کسانی که به همیاری روحی و یا مادی نیاز داشتند، از حمایت او برخوردار بودند. آغوش‌اش، همچون در خانه‌اش به روی همگان گشوده بود و آنچه را داشت و نداشت، با دیگران قسمت می‌کرد. اما نه اندوه خود را! اتاقی به‌روی همگان در بسته، مکان سوگواری او بود.

در ۹۰ سالگی از من خواست تا خاطرات پراکنده‌ای از مصائب‌اش را در رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی - که خود آنها را نوشته بود- برایش چاپ کنم تا به‌بازدیدکنندگان هدیه دهد. کتاب کوچکی

شد. نام آن را "خاطرات دوران سپری نشده" گذاشتیم. اکنون با به پایان رسیدن "دوران" او، دوران آن مادران هم سپری شده است.

چون مزیدی بر اندوه، ده سال پایانی زندگی اش در عذاب گذشت، عذاب ناشی از انواع بیماری‌ها، انواع زخم‌ها، و زمین‌گیری. درد و رنج و عذاب‌های او، خود تجسمی است از درد همه‌ی آن نسل از مادران. با مرگ آخرین مادر فدایی‌ها، دوره‌ی اندوه و عذاب این مادران نیز به پایان رسید. رنج مادرانی که فرزندان‌شان به دست رژیم شاه به هلاکت رسیدند واقعیتی انکار ناپذیر است. اما در تاریخ معاصر ایران، نه کشتارها و نه رنج مادران جانب‌اختگان، هیچگاه این‌گونه گسترده و دهشتناک نبوده است که در حکومت اسلامی.

در این دوره سخنی از قهرمانان در میان نیست. در این دوره قهرمانی از آن جنبش‌های مردمی است و مادران داغدار، مردم کوچ و بازارند. باید پذیرفت که دوره‌ی نسل مادران قهرمانان جان‌باخته به سر رسیده است. مادران داغدار ایران، مادران کشتارهای چند هزاری هستند: کشتارهای سالهای ۶۰ و ۶۷، کشتارهای سال‌های ۹۶ و ۹۸، جانب‌اختگان جنبش زن زندگی آزادی...

سوگواری در اطاق‌های دربسته، جای خود را به سوگ سراسری شهرها و روستاها داده است. میلیون‌ها مادر با مادران مهسا و نیکا، با مادران مهدی کرمی و کیان پورفلک و هزاران هزار دیگر گریسته‌اند و مشت گره زده‌اند. مادران سوگوار فدایی جای خود را به مادران خاوران، به مادران دادخواه، به مادران مبارز داده‌اند.

دوره‌ی فدایی‌های قهرمان در سال ۵۷ به پایان رسید و دوره‌ی مادران آن قهرمانان، با مرگ پروین توکلی به سرانجام رسید. در جمهوری اسلامی، مادرانی که فرزندان‌شان به هلاکت رسیده‌اند، همچون پروین توکلی بار اندوه بی‌پایان‌شان را تا آخر عمر بر دوش می‌کشند. امانباید از یاد برد که اینان از تبار دیگری هستند. از تبار آنها که "نه می‌بخشند، نه فراموش می‌کنند" وحید توکلی